

## اندیشه سیاسی فدائیان اسلام

فاطمه غلامی مقدم\*

### اشاره

در ۱۵ خرداد ۱۳۳۰ «فدائیان اسلام به موجب اعلامیه‌ای متذکر شدند که اگر یک مواز سر نواب صفوی کم شود خلیفه را خواهیم کشت» که حتی آن آرمان آنها که ترور شخصیت‌های مخالف اسلام است را حول محور رهبر و حمایت از وی می‌آورند. در نوشتار پیش رو سعی شده با بررسی دقیق، اندیشه‌های سیاسی فدائیان اسلام روشن شود.

پس از یک فاصله‌ی حدوداً بیست ساله در رکود سیاسی و حزبی، با اشغال ایران از سوی متفقین و سقوط رضاشاه، دومین دوره‌ی حیات سیاسی احزاب و تشکیلات سیاسی کشور پس از دوره اول احزاب سیاسی دوره‌ی مشروطه، آغاز گردید. تقریباً می‌توان منشأ همه‌ی احزاب و نیروهای سیاسی ایران را در این دوره، در طیف گسترده اندیشه‌های سیاسی و حزبی عصر مشروطه یا نخستین دوره شکل‌گیری تحزب در ایران، جستجو کرد.

براهوتی، وضعیت احزاب مذهبی در دوره‌ی سلطنت پهلوی دوم را، مورد بررسی قرار داده است. نویسنده با ریشه‌یابی بسترهای سیاسی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی معتقد است در قرن بیستم نضج چنین جریان‌اتی و جنبش‌های سیاسی - مذهبی در ایران در واکنش به تحولات اقتصادی - سیاسی و فرهنگی به سبک غرب شکل گرفت. و در واقع ستیز با تجدد و تجددمآیی اساس مبارزات اسلامی بود. در تقابل با این غرب‌گرایی، ایقان در پی بازگشت و احیای اصول اسلامی و نیز استقرار جامعه‌ی نمونه و پاک همانند صدر اسلام بودند. جنبش احیاءطلبی پس از جنگ دوم جهانی، گسترش پیدا کرد و مخالفان اسلامی را حتی رادیکالیزه کرده و آنها را به تعارض و مبارزه مستقیم با حکومت‌هایشان کشاند.

\* دانشجوی کارشناسی تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد

### بیوگرافی نواب صفوی

بعد از مرگ مشکوک پدر سیدمجتبی - سیدجواد میرلوحی - که به خاطر ایستادگی در برابر علی‌اکبر داور - وزیر مالیه، دستگاه رضا شاه روانه زندان شد و فوت کرد<sup>۱</sup> عمویش سید محمود نواب صفوی سرپرست خانواده وی شد. سیدمجتبی دوران تحصیلات ابتدایی را در دبستان حکیم نظامی تهران گذراند. و سپس وارد دبیرستان صنعتی آلمانها شد. او همزمان با تحصیلات کلاسیک در مسجد قندی خانی آباد و مدرسه مروی به فراگیری علوم حوزه پرداخت. سیدمجتبی در فرصتهای مناسب محصلان دبیرستان آلمانها را جمع می‌کرد و برای آنها از اسلام و تعلیمات مذهبی سخن می‌گفت. وی که نظاره‌گر اوضاع اسفبار اجتماعی و فرهنگی جامعه بود. برای دانش‌آموزان مدرسه آلمانی‌ها سخنرانی کرده و آنها را تحریک به گرفتن حقوق خود کرد و ضمن تظاهراتی به طرف مجلس با مداخله پلیس مواجه شدند و درگیری رخ داد و نواب هم متواری و تحت تعقیب قرار گرفت.<sup>۲</sup> چنان که آمد سیدمجتبی از همان ابتدا با دید عمیق مذهبی خود همیشه به اوضاع جامعه توجه داشته و همیشه خواهان اجرای احکام ناب اسلامی بوده ولی زمینه آماده نبود زیرا؛ اوضاع آن زمان اقتضا نمی‌کرد، لذا همین نگرش در وی ماند تا زمانی که جنبش فدائیان اسلام را تأسیس کرد.

سیدمجتبی بعد از پایان تحصیلات به استخدام شرکت نفت در آمد به آبادان رفت در آنجا هم به تهییج کارگران آنجا علیه انگلیسیها پرداخت و با حمله‌ی کارگران به مقر انگلیسیها آنجا را تخریب و با مداخله‌ی نیروهای نظامی جمعی دستگیر و سیدمجتبی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. پس از آن با فرار به عراق برای تکمیل تحصیلات علوم دینی راهی نجف اشرف شد.<sup>۳</sup>

سید دارای نبوغ حیرت‌انگیزی بود و پله‌های تکامل علمی را بسیار سریع پیمود. رمز موفقیت او ناشی از عشق او به اسلام و مکتب آل محمد(ص) بود. و همین عشق است که بعدها باعث شد

۱- داورخواهان تجددگرایی در ایران بود و اهدافی مثل تضعیف روحانیت. جلب رضایت دول خارجی - کسب وجه برای رژیم رضا شاه از طریق تبلیغ پیرامون لایحه کاپتولاسیون را دنبال می‌کرد بصیرت منش، حمید: *علماء و رژیم رضانشاه*، عروج، تهران، ۱۳۷۶، صص ۵۴ - ۵۳.

۲- توسی، محمود: *ناگفته‌ها*، خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، تهران، خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۷۰ ص ۱۸.

۳- توسی، محمود: *همان*، ص ۲۵.

بعدها که جنبش فدائیان اسلام را تأسیس و راجع به انتخاب نام «فدائیان اسلام» برای تشکیلات سیاسی بگوید: «حضرت سیدالشهدا (ع) را در خواب دیدم که بازوبندی بر بازویم بست که روی آن نوشته شده بود. «فدائیان اسلام» و من از این جهت نام فدائیان اسلام را بر این تشکل اسلامی نهادم»<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد عشق به ائمه اطهار و مشروعیت بخشیدن به جنبش از عوامل اصلی بیان نحوه انتخاب «فدائیان اسلام» به عنوان گام اصلی جنبش توسط نواب بوده است.

همان طور که می‌دانیم بعدها تقابل سیدمجتبی با کسروی موجب تأسیس این جمعیت سیاسی - مذهبی در کشور گردید ولی به زودی این جمعیت در مسیر مبارزات سیاسی خود به مقابله با جریان چپ کمونیستی و همچنین دستگاه جابرانه حاکم بر کشور اقدام نمود. همزمان با فعالیت سه جریان اصلی - مذهبی، ملی، چپ - در جامعه، جریانی دیگر که بخشی از آن زاینده جریان تجددگرایی دوران رضاشاهی و بخشی دیگر به منظور انحراف در دین شکل گرفته بود با بهره‌برداری از چراغ سبز رژیم رضاشاه و سپس استفاده از آزادیهای سیاسی پس از سقوط وی، قوت می‌گرفت. این جریان که در آن برخی از روشنفکران غیردینی و تعدادی روحانی نمایان ایفای نقش می‌کردند بالاخره در جریان خطرناک کسروی‌گری در دوره‌ی دوم تحزب در ایران، تبلور یافت و ضمن فعال شدن، به انحراف فکری در جامعه و ایجاد شکاف در دین روی آورد. چنانکه نیروهای مذهبی و رهبران دینی، خطر جریانهای چپ کمونیستی را به دلیل روشن بودن مواضع ایدئولوژی آنها، کمتر از خطرات آن جریان انحرافی در ایجاد شبهات دینی و شکاف در جامعه اسلامی دانستند. در واقع آن را فتنه بایی‌گری دیگری در ایران قلمداد می‌کردند و خود را موظف می‌دانستند تا ریشه این فتنه را در آغاز حرکت بخشکاند.<sup>۲</sup>

از این منظر، در حقیقت مهمترین و شاید تنها علت پیدایش و شکل‌گیری جمعیت فدائیان اسلام را باید جریان مبارزه جامعه دینی با این فتنه و جریان انحرافی در جامعه دانست. تنها فرد

۱- خوش‌نیت حسین: سیدمجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها، مبارزات، شهادت او، منشور برادری، (بی‌جا) ۱۳۶۰، ص ۲۳.

۲- امینی، داوود: جمعیت فدائیان اسلام و نقش آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران. مرکز اسناد انقلاب، تهران، ۱۳۸۱، صص ۵۶ - ۵۵.

شاخصی که به مبارزه مسلحانه روی آورد. سیدمجتبی میرلوحی به همراهی جمعی از دوستانش بود.<sup>۱</sup> سید مجتبی جهت هم نام شدن با صفویه بنیان‌گذاران دولت شیعه در ایران - بر خود نام صفوی گذاشت و این نام را اقتباس کرد. از این رو، در ادامه مقال به جای سید مجتبی از نواب صفوی استفاده می‌کنیم.

گروه کوچک فدائیان اسلام در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی به همت سیدمجتبی نواب صفوی با اعلامیه‌ای با عنوان دین و انتقام اعلام موجودیت کرد و هدف آن مبارزه با تمام اشکال بی‌دینی بود به همین دلیل به مهاجمان دین وعده انتقام داد.<sup>۲</sup>

در مورد اعضای فدائیان اسلام آمار دقیقی وجود ندارد. اما در منابع پراکنده اسامی آنها ذکر شده است. به غیر از نواب صفوی، سیدحسین امامی، عبدالحسین واحدی، خلیل طهماسبی، مظفر علی ذوالقدر و محمد واحدی از دیگر اعضای فدائیان اسلام بودند.<sup>۳</sup> و همچنین در جایی دیگر از حاج حسین اکبری و علی قیصر به عنوان اعضای این جمعیت نام برده می‌شود. هنگامی که نواب صفوی در پی جذب جوانان بود افراد نام برده جذب وی شده و به این گروه می‌پیوندند. عباس تهرانی و سیدهادی نواب صفوی از جمله کسانی بودند، که در جریان ترور حسین علاء در سال ۱۳۳۴ دستگیر می‌شوند و به نظر می‌رسد که از دیگر اعضای فدائیان اسلام بودند.

جمعیت فدائیان اسلام در نخستین اقدام خود احمد کسروی یکی از نویسندگان مشهور غیرمذهبی و سنت‌شکن را ترور کرد. قاتلان در یک دادگاه نظامی محاکمه شدند، زیرا هم رهبران مذهبی از آنها پشتیبانی می‌کردند و هم مقامات حکومتی امیدوار بودند تا در برابر حزب توده از آنها بهره‌برداری کنند.<sup>۴</sup>

۱- باقی: تاریخ‌شناسی انقلاب اسلامی ایران، تفکر، قم، ۱۳۷۲، ص ۸۷.

۲- خوش‌نیت، حسین: همان، ص ۱۱.

۳- فنفوری، سعید: فدائیان اسلام در کلام باران، فصلنامه تاریخی سیاسی. پانزده خرداد. شماره ۲۴. ۱۳۷۵ ص ۲۰۶.

۴- آبراهامیان، یرواند: ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی؛ محمدابراهیم فتاحی. نی. تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۷.

پس از ترور کسروی که به علت اعتراض علماء به تبرئه فدائیان انجامید؛ این جمعیت فعالیت‌های خود را با یک سلسله اعتراض‌های سیاسی و فرهنگی ادامه داد. راجع به تبرئه فدائیان آیا فرد مورد نظر است یا جمعیت اگر منظور فرد ضارب است چرا در مورد قتل هژیر همین فرد که ضارب کسروی نیز هست - حسین امامی - را اعدام می‌کنند؟ قتل، قتل است. حالا چون کسروی از درباریان نبوده و هژیر فرد عالی‌رتبه مملکت بود. قاتل کسروی تبرئه و قاتل هژیر اعدام می‌شود؟ من فکر می‌کنم به دلیل اینکه اهانت به مقدسات جرم بزرگی است و کسی که یک خائن به اسلام را (البته از نظر افراد و علماء آن زمان) می‌کشد او فدایی اسلام است و ثواب هم کرده پس تبرئه می‌شود ولی هژیر را که به قتل می‌رساند قصاص شده و اعدام می‌شود. فکر می‌کنم هنوز علماء به آن اندازه از قدرت نرسیده‌اند که بتوانند فرد ضارب یک مقام عالی‌رتبه کشوری را با اعتراض تبرئه کنند. هنوز قدرت حاکم در این گونه موارد زیاد است البته سیدحسین امامی البته که یک فدائی اسلام است و پس از قتل کسروی به سراغ هژیر می‌رود چرا که او را نیز مانند کسروی فردی مخالف موازین اسلام می‌پندارد. و شاید...

به هر حال، فدائیان اسلام با ورود خانم‌های بی‌حجاب به مسجد شاه بازار و نیز تبدیل حوزه‌ی علمیه به دبیرستان دخترانه مخالفت کردند. که این مسأله خود سبب ایجاد فحشاء می‌شود اینان سخت با آن مخالف بودند. شیشه‌های مشروب‌فروشی را در ساری شکستند به نخست‌وزیری هژیر اعتراض کردند، برای رفتن به فلسطین و جنگ با اسرائیل تلاش‌های زیادی کردند. نواب صفوی جهت جلب حمایت مردم و جذب ایشان سفرهای بسیاری به مناطق مختلف کشور از جمله عشایرنشین‌های غرب و شمال انجام داد.<sup>۱</sup> گروه فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۷ با مصوبه‌ی مجلس مؤسسان دایر بر حذف ماده‌ای که مطابق آن اسلام دین رسمی کشور اعلام شده بود مخالفت کردند.<sup>۲</sup> سرانجام در همان سال طرح دومین ترور خود را ریخته و عبدالحسین هژیر وزیر دربار دولت پهلوی را به قتل رساندند، ضارب وی سیدحسین امامی دستگیر و اعدام شد.

۱- عبد خدایی، مهدی: «شهید نواب صفوی را بشناسیم»، فدائیان اسلام از آغاز تا به امروز» منشور برادری.

دوره جدید، شماره ۲۷، ۵۹/۱/۲۳.

۲- منشور برادری، دوره جدید شماره ۲۸، ۵۹/۱/۳۰.

اوج و فرود فعالیتهای فدائیان به سالهای پایانی دههی ۱۳۳۰ و آغاز دههی ۱۳۳۰ بازمی‌گردد. در پی اوج‌گیری مبارزات سیاسی علیه رژیم در سالهای پایانی دههی ۱۳۳۰ فدائیان اسلام به آیت‌الله کاشانی نزدیکتر شدند. که در مباحث بعدی آورده می‌شود. حتی گفته می‌شود در بهمن ماه ۱۳۳۷ در برپایی جامعه مسلمانان مجاهد که محفل سیاسی هواداران کاشانی بود شرکت جسته و اعضای هیأت مدیره این مجمع را نواب صفوی تعیین کرده است.<sup>۱</sup>

هنگام انتخابات مجلس، فدائیان به حمایت از نامزدهای انتخاباتی جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی برخاستند. با این همه فدائیان اسلام از این که برخی از نامزدهای جبهه ملی صد درصد اسلامی نبوده و در جهت تشکیل حکومت اسلامی گام برنمی‌داشتند ناخشنودی خود را ابراز کردند و تنها با توضیحات کاشانی مبنی بر این که مأموریت این افراد نه خواندن نماز شب که ملی کردن صنعت نفت است قانع شدند.<sup>۲</sup> شاید به دلیل همین روابط نزدیک میان کاشانی و فدائیان بود که برخی کاشانی را رهبر فدائیان می‌پنداشتند.

ولی همچنان که آبراهامیان می‌نویسد: «فدائیان اسلام و گروه کاشانی هم از نظر ترکیب اجتماعی و هم از نظر برداشتهای ایدئولوژیکی تفاوت‌هایی داشتند. در حالی که گروه کاشانی را بیشتر اقشار طبقه متوسط سنتی کشور پشتیبانی می‌کردند، اعضای اندک فدائیان اسلام اغلب از میان جوانان دارای مشاغل رده پایین در بازار بودند. در حالی که کاشانی از نظر سیاسی عمل‌گرا بودند فدائیان اسلام بنیادگرانه تعهد متعصبانه‌ای داشتند.<sup>۳</sup> مفاد برنامه‌ی این سازمان از کلیاتی درباره‌ی پرهیزکاری و مستحبات شرعی فراتر نمی‌رفت و خواسته‌های ویژه‌ای همچون منع الکل - سیگار - تریاک - فیلم - قماربازی - قطع دست جنایتکاران و اعدام متجاوزان اصلاح‌ناپذیر، ممنوعیت همه نوع لباس خارجی، مجازات رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده، تنبیه روحانیونی که از موقعیتهای مذهبی خود سواستفاده می‌کردند، حذف رشته‌های غیراسلامی مانند موسیقی از دروس مدارس و مقرر کردن حجاب برای زنان تا جایی که بتوانند به نقش سنتی و پاک خود در

۱- منشور برادری: همان، دوره جدید، شماره ۲۸، ۵۹/۱/۳۰.

۲- منشور برادری: همان، دوره جدید، شماره ۲۸، ۵۹/۱/۳۰.

۳- آبراهامیان، پروانده: همان، ص ۳۱۷.

خانه باز گردند را در بر می‌گرفت.<sup>۱</sup> که البته چون جامعه فاسد بود اینان زنان را از حضور در جامعه منع می‌کردند.

در سال ۱۳۲۹ شمسی دولت در پی تصویب لایحه الحاقی نفت برآمد. نمایندگان جبهه‌ی ملی که از حمایت افکار عمومی نیز برخوردار بودند، با این لایحه مخالفت نمودند. این لایحه تبدیل به به بحران سیاسی در کشور شد شاه برای این که به این بحران خاتمه دهد سپهبد حاج علی رزم‌آرا را به نخست وزیری برگزید. وی فردی قدرتمند و بنابر آنچه گفته شده است از حمایت آمریکاییها برخوردار بود به گونه‌ای که شاه از وی به شدت بیم داشت. ترور رزم‌آرا در دستور کار فدائیان اسلام قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۶ خلیل طهماسبی گلوله‌ای را بر پیشانی رزم‌آرا نشاند و او را کشت. ترور رزم‌آرا پایان یک بحران سیاسی در کشور بود و مقدمات روی کار آمدن دولت محمد مصدق را فراهم کرد.<sup>۲</sup>

فدائیان اسلام مدعی هستند که قتل رزم‌آرا با توافق جبهه ملی و نیز آیت‌الله کاشانی صورت گرفته است و اعضا جبهه ملی از جمله دکتر حسین فاطمی و محمد نریمان قول دادند که در صورت روی کار آمدن مصدق؛ حکومت اسلامی اعلام و احکام اسلامی را اجرا کنند. این همان چیزی بود که فدائیان اسلام را در مقابل جبهه ملی و کاشانی قرار داد.

در حالی که فدائیان اسلام بر اعلام حکومت اسلامی اصرار داشتند. کاشانی آن را ناممکن و زمینه‌ی تحقق آن را نیز نامساعد و زود می‌دانست.<sup>۳</sup> مصدق نیز در همین مورد به آنها پاسخ داد که «حکومت اسلامی را آقایان بگذارند برای یک دولت دیگر و در دولت دیگر تقاضای دولت اسلامی بکنند؛ دولت من که برای ابد نخواهد ماند»<sup>۴</sup> به این ترتیب فدائیان به تدریج سر خورده

۱- آبراهامیان، یرواند: همان، ص ۳۱۸.

۲- سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، ویراستار مرتضی اسدی، صهبا، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۵.

۳- فاطمی، حسین: اسرار اختلاف فدائیان اسلام و حکومت مصدق و ترور، منشور برادری، شماره ۶۲، ۵۹/۱۰/۶، ص ۲.

۴- نجاتی، غلامرضا: جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد، رسا، تهران ۱۳۷۰، جلد ۱، ص ۹۰.

شدند. به ویژه آن که روابط فدائیان و کاشانی نیز به سبب نزدیک شدن کاشانی به دربار و حضور برخی افراد نزدیک به دربار در خانه وی تیره شد و این همه باعث بی‌طرفی فدائیان اسلام در منازعات و مناقشات سیاسی گردید. به طوری که نواب صفوی پس از آزادی از زندان اعلام کرد: «ما دوره‌ی فترت را آغاز می‌کنیم چون دعوای مصدق و شاه بر سر مبانی مکتبی نیست و بر سر حکومت است. من دعوای مکتب و حکومت اسلامی دارم. تا زمانی که شکل جریان مشخص نشده است من سکوت می‌کنم.»<sup>۱</sup>

باری، به اعتقاد برخی از محققان رفتار فدائیان صرفاً سکوت و پرهیز از جانبداری یکی از طرفین مناقشه سیاسی نبود، بلکه فدائیان آشکارا از سقوط دولت مصدق و بازگشت شاه استقبال کردند. اما آنها در عین حال به قرارداد کنسرسیوم نفت اعتراض کردند و طرح ترور حسین علاء، نخست‌وزیری که پس از سپهبد زاهدی به این پست منصوب شده بودند را ریختند. ترور علاء موفقیت‌آمیز نبود و سیدمجتبی نواب صفوی - محمد واحدی، خلیل طهماسبی، و مظفر علی ذوالقدر دستگیر و در ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ اعدام شدند. عبدالحسین واحدی نیز در خلال بازجویی به شهادت رسید.<sup>۲</sup> پس از شهادت نواب تشکیلات فدائیان اسلام از هم پاشید و سرانجام در جریان اعتراضهای مذهبی در دهه‌ی ۱۳۴۰ و تشکیل هیأت‌های مؤتلفه برخی از اعضای فدائیان به مؤتلفه پیوستند.

### بررسی اندیشه‌های نواب صفوی

سیدمجتبی نواب صفوی در بحبوحه‌ی منازعات سیاسی با جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی در سال ۱۳۲۹ شمسی. با انتشار کتابی تحت عنوان «جامعه و حکومت اسلامی» یا «اعلامیه فدائیان اسلام» به تبیین نظرات و برنامه‌های پیشنهادی حکومت اسلامی پرداخت.

۱- واحدی، عبدالحسین: *به سوی آستان فضیلت پرور حضرت نواب صفوی برمی‌گردیم*، منشور برادری، شماره ۱۲، ۱۳۳۳/۴/۲۰، ص ۴.

۲- کاتوزیان، همایون: *اقتصاد سیاسی ایران، استبداد و شبه مدرنیسم*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، پایروس، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۹.



نواب در این کتاب ضمن بررسی مفاسد موجود در جامعه بشری که در فقر و بی‌عفتی و اعتیاد، قمار و بی‌بند و باری و... جلوه‌گر شده‌اند؛ به نمایاندن طرق اصلاح عموم طبقات اجتماعی پرداخته است. وی علاوه بر تقاضای اصلاحات در سطح روحانیت و مرجعیت، خواستار دگرگونی در وزارتخانه‌های فرهنگ، دادگستری کشور، دارایی و...، دستگاه‌های دولتی آن زمان می‌شود و آنگاه چگونگی مجلس شورا و کیفیت انتخابات صحیح مجلس اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهد. وی به صراحت از ملی شدن صنعت نفت و همه منابع طبیعی کشور دفاع کرده و اصلاحات ارضی بنیادین و برچیدن بازار مصرف اسراف و تبذیر را می‌طلبد و ضمن غیرقانونی دانستن حکومت شاه به صورت رسمی، مبارزه مستقیم با شاه را توصیه می‌کند.

در سیستم اداره کشور، نواب صفوی به قوه‌ی قضائیه اهمیت زیادی داده است و معتقد است امنیت اجتماعی سیاسی و قضایی برای افراد در جامعه، تنها در سایه‌ی قوه‌ی قضائیه به وجود می‌آید. ضمن آن که قوه‌ی قضائیه بایستی از استنباط، فقاقت، اجتهاد تهی نباشد.<sup>۱</sup>

همچنین در این کتاب نواب به بررسی و معرفی ریشه‌های مفاسد جوامع بشری پرداخته و عواملی چون نبودن نور پاک ایمان و انحراف بشر از دین و تربیت دینی، اجرا نشدن احکام اسلام و قانون مجازات اسلامی؛ مفاسد فرهنگی و نبودن فرهنگ؛ بی‌حجابی؛ بی‌بندوباری و مشروبات الکلی و مواد مخدر؛ شیوع قمار و موسیقی و فیلم‌های غیراخلاقی در سینماها؛ فقر و بیکاری و شیوع فحشا و ارتشا و بی‌اعتمادی در جامعه را از مهمترین مفاسد اجتماعی در کشور دانسته و روش اصلاح هر یک از آن امور را بیان داشته است.

نواب صفوی به نظر هوادارانش به طور کلی هر آنچه که از تمدن غرب یا مدرنیته بود را رد نمی‌کرد، بلکه پیشرفت علم و تمدن را در خدمت استیلا‌ی دین و ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌پسندید و استفاده از مظاهر تمدن غرب را تنها در صورتی که فرهنگ استعماری را بر این مردم تحمیل نکند، جایز می‌شمرد.

همچنان که سنت بارز هر ایدئولوژی انقلابی است، جنبش فدائیان نیز ابتدا موجودیت رژیم مستقر را به شدت مورد انتقاد قرار داد. و یکسره محکوم و غیرقابل تحمل جلوه داده و از آینده‌ای

۱- نواب صفوی، سید مجتبی: *جامعه و حکومت اسلامی* (راهنمای حقایق)، ص ۵۲.

آرمانی و مطلوب سخن به میان آورده است. یعنی جامعه‌ای مبتنی بر آزادی انسان - برابری کامل، رفاه جمعی، عدالت و تکیه بر ارزشهای الهی و آرمانی و... را نوید می‌دهد. اما به گفته‌ی امینی نویسنده کتاب جمعیت فدائیان اسلام: این که نواب در طراحی جامعه‌ی مطلوب و آرمانی خود سخت متأثر از نظام موجود بوده است به عبارت دیگر هیچ الگوی بدیع و یا بدیعی که به لحاظ شکل و ساختار، متفاوت از نظام مستقر باشد، ارائه نمی‌کند، بلکه می‌کوشد همان نهادها و ساختارهای موجود را رنگی و صورتی دینی ببخشد. ولی یک حکومت غاصب که همه‌ی نهادهای آن پوسیده و شایسته دگرگونی است را چگونه می‌توان رنگ دینی بخشید این موضوع نیاز به بررسی‌های تحلیل‌گرایانه و موشکافانه دارد. اولاً این که؛ نواب صفوی که جنبش خود را در ۱۳۲۴ آغاز کرد در طرح اندیشه حکومت اسلامی و مبانی فکری جنبش اسلامی بی‌تردید از کتاب «کشف‌الاسرار» امام خمینی (ره) که در آن به طور کامل طرحی از یک حکومت ایده آل اسلامی ارائه گردیده بود - بهره گرفته است. و در مسیر اندیشه‌هایش بی‌تأثیر نبوده است. ثانیاً: نواب صفوی یک مجتهد و یک فقیه و اسلام‌شناس کامل نبود. وی از رهنمودهای مراجع و فقهای چون؛ آیت‌الله حاج آقا حسین قمی؛ علامه امینی؛ سیدهادی میلانی و سیدمحمد حجت (با فاکتور گرفتن از آیت‌الله)؛ آیت‌الله فیض؛ آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید صدرالدین صدر و ... بهره‌مند بوده است.<sup>۱</sup> این علما که اندیشه و عمل نواب را در مقابل دشمنان اسلام تأیید می‌کردند در فکر وی تأثیر گذار بوده‌اند.

نواب در کتاب خود در مورد چهارده وزارتخانه اصلاحاتی را مدنظر دارد. در دنباله‌ی این بحث از کتاب رهنمای حقایق، نواب صفوی شاه، دولت و سایر کارگزاران حکومت را به عنوان دشمنان اسلام و غاصبین حکومت اسلامی مورد خطاب قرار داده و برای اتمام حجت با آنها، اعلام می‌کند که شما عناصری خائن، پست‌فطرت، و غاصب هستید که حکومت اسلامی ایران را به زور غصب کرده‌اید و چنانچه نقشه‌ها و دستورهای اسلامی اصلاحی ما را به نحوی که نگاشته شده به طور دقیق عملی و اجرا کنید، ما نیز از گناهان شما چشم پوشیده و به یاریتان خواهیم

۱- خوش‌نیت، حسین: همان، ص ۲۱۸.

شکافت، لیکن اگر در اجرای این دستورات کوتاهی ورزید، به یاری خدای منتقم، نسبت به نابودی شما اقدام خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

دست نوشته‌ای از نواب صفوی راجع به غیر قانونی بودن حکومت شاه که می‌گوید: «ما ملت مسلمان ایران و فرزندان اسلام و ایران به دنیا، انگلستان، روسیه، آمریکا و سایر ملل و حکومت‌های دنیا اعلام می‌کنیم که حکومت کنونی ایران حکومت قانونی و ملی نبوده و رسمیت ندارد، و بیان می‌دارد که: اگر روزی ملت مسلمان ایران در اظهار رأی خویش آزاد باشند، آزادی عمومی فقهای مجاهد اسلام بدون استثناء حکم قتل و فتوای نابودی این غاصبین حکومت اسلامی ایران و دشمنان اسلام را به طور قطع صادر می‌کنند.»<sup>۲</sup> از تمام دست‌نوشته این برمی‌آید که هدف، حذف حکومت غاصب شاه و ایجاد حکومت اسلامی و ابزار کار آنها هم برای رسیدن به این هدف حذف فیزیکی و انتقام را برمی‌شمارد.

جنگ‌های بشری را ناشی از گمراهی و جهل می‌دانند، در حالی که جنگ‌های اسلام را به فرمان خدای جهان و برای هدایت و نجات بشر معرفی می‌کند. صلح و آسایش عمومی و آزادی را نیز تنها در سایه‌ی پرچم قوی اسلام و حکومت دینی میسر می‌داند و برادران فدایی اسلام را به بیداری و نجات هموطنان مسلمان خود از جهل و ظلمت فرامی‌خواند و اقشار مختلف جامعه، از علما و روحانیون و ارتشیان و مأموران دولتی، سردمداران حکومتی و مردم را نیز پند و اندرز فراوان می‌دهد.<sup>۳</sup>

باید اشاره کرد که جلسه، مجلس عظیمی در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ در مسجد شاه از طرف فدائیان اسلام برپا شد که در آن علیه مظالم شرکت نفت ایران و انگلیس و لزوم ملی شدن صنعت نفت بیاناتی ایراد شد و به عمل رزم‌آرا اعتراض شد. در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی ترور شد. آیت‌الله کاشانی، خلیل طهماسبی را منجی ملت ایران معرفی کرد.

۱- خسروشاهی، سیدهادی: *فدائیان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه*. اصلاحات، تهران، ۱۳۵۷، صص ۲۹۳-۲۸۲.

۲- خوش‌نیت، حسین: *همان*، ص ۱۱۸.

۳- خسروشاهی، سید هادی: *همان*، صص ۳۲۸ - ۳۰۲.

در همین اجتماع اعلامیه سیدمجتبی نواب صفوی، تحت عنوان (ای پسر پهلوی) منتشر شد و در آن اخطار شده بود که اگر حضرت خلیل طهماسبیان آزاد نشود عده زیادی از رجال دچار سرنوشت رزم‌آرا خواهند شد.

سخن جالب این است که در ۱۳ خرداد ۱۳۳۰. نواب صفوی توسط مأمورین آگاهی دستگیر و روانه زندان شد به هنگام دستگیری اظهار کرد، حکومت ایران باید توسط خلیفه مسلمین اداره شود.<sup>۱</sup> پس نظر او این بود که ابتدا حکومت اسلامی شود و بازگشتی بود به اسلام نخستین و اصیل، یعنی رهبر و رئیس حکومتن باید خلیفه باشد، این همان مطلبی است که در من فوق نیز به آن اشاره شد.

### دولت مصدق و رابطه فدائیان با آن

با پیشنهاد جمال امامی در مجلس شورای ملی مصدق نخست‌وزیر شد، ولی مصدق به جای این که کابینه‌ی خود را از افراد جبهه ملی تشکیل دهد همان وزرای دوره‌ی سابق را روی کار آورد. چنین ترکیبی از هیئت وزیران در کابینه‌ی دکتر مصدق و اعتقاد وی به سازش با شاه و عدم اعتقادش به مبارزه مکتبی به شکل اسلامی، موجب ایجاد شکاف میان وی و نواب صفوی شد. این در حالی بود که نواب مکرراً بر نقش سازنده افراد صالح در حکومت تأکید کرده بود. وی می‌گفت: «با این تفاله‌های گذشته نمی‌توان کنار آمد و باید اشخاص صالحی بر مصدر حکومت قرار گیرند.»<sup>۲</sup> از جمله دیگر عواملی که به گسترش اختلافات میان نواب و مصدق دامن زد باید به دخالت مستقیم استعمار داخلی اشاره کرد. عوامل استعمار از همین اعتقاد فدائیان اسلام بهره جستند و به آنها گفتند: شما بودید که این نهضت را به پیش بردید، مصدق بی‌دین است، یا به این دین اسلام بی‌توجهی می‌کند، و لذا خواسته‌های شما را محقق نخواهد ساخت. از جانب دیگر همانها به مصدق می‌گفتند: که فدائیان اسلام جوانان پرشور و تروریست هستند باید از آنها

۱- شیفته، نصرالله: زندگی نامه و مبارزات دکتر محمد مصدق، کوهس، تهران، ۱۳۷۰.

۲- پیام انقلاب، سال دوم، شماره ۵۰ مورخ دوم بهمن ۱۳۶۰، ص ۵۷.

بپرهیزید، مصدق می‌گفت که من نه مدعی حکومت اسلامی هستم و نه می‌خواهم برای همیشه نخست‌وزیر بمانم او فقط می‌خواست قضیه نفت را حل کند.<sup>۱</sup>

از ایرادات دیگر فدائیان اسلام بر مصدق؛ سیاست موازنه منفی مصدق است که البته سیاست خارجی دولت مصدق بود. مصدق؛ انگلیس، این استعمار پیر را اخراج کرد و آمریکا، استعمارگر تازه نفس را وارد ایران کرد و نواب صفوی بر حفظ کیان و استقلال کشورمان تأکید می‌کرد. درباره‌ی این اعتقاد خود این گونه استدلال می‌کند: «آیا هیچ عاقلی قبول دارد که کشور آمریکا که هر روز به خاطر تسلط بیشترش به دنیا در کره و دهها مکان دیگر خونریزی می‌کند، بیاید و برای حفظ حیات و استقلال ما به ایران کمک کند. یک نظریه تاریخ قرن گذشته به خوبی ثابت می‌کند که آمریکائیان و استعمارگران تازه نفس، چه نقش شومی و چه توطئه خطرناکی برای بلعیدن ایران کشیده است و... سالها باید از خود گذشتگی کرده تا بتوان ریشه‌ی دخالت آنها و استعمارشان را از بین برد.»<sup>۲</sup>

همانطور که می‌دانیم نواب صفوی توسط دکتر مصدق بازداشت شد و پیامدهایی به همراه داشت. در این دوران که نواب صفوی زندانی شده بود پس از ترور دکتر فاطمی فدائیان بر مواضع پیشین خود پافشاری کردند. در این دوران، علاوه بر فعالیت فدائیان اسلام برای نجات نواب صفوی، مبارزاتشان با حکومت پهلوی، دولت دکتر مصدق احزاب و گروههای چپ کمونیستی مانند حزب توده و گروههای منحرف دین مثل کسروی‌گری و بهائیت، همچنان ادامه داشت. اقدامات مصدق به جایی نرسید و فقط به جای انگلیس، آمریکا قرار گرفت. (ایالات متحده). در چنین شرایطی فدائیان اسلام که نگران وضع نابسامان جامعه و اشتباهات عمده سیاسی دکتر مصدق و پافشاری وی بر نظریاتش بودند در ۱۳۳۱/۱/۱۱ یک روز پس از برقراری مجدد حکومت نظامی در آغاز سال ۱۳۳۱ با صدور اعلامیه‌ای مردم را به شرکت در گردهمایی در مسجد سلطانی تهران، برای آگاهی از عملکردهای دولت مصدق دعوت کردند. و همین اعلامیه نشانگر مواضع مخالف فدائیان اسلام با دولت مصدق است.

۱- شیفته، نصرالله: همان، ص ۶۴

۲- نواب صفوی، سیدمجتبی: اجنبی/اجنبی است، ص ۲.

مصدق پیشنهاد استعفا داد ولی حوادثی گذشت و دوباره نخست‌وزیر شد، و روابط با آمریکا بهتر شد. و این فدائیان بودند که همچنان مخالف بیرون کردن استعمارگر پیر و آمدن استعمارگر تازه نفس بودند. و نواب صفوی بود که همچنان مصدق را به بازگشت به احکام اسلام و اجرای آن فرامی‌خواند. ولی مصدق توجهی نکرده و به بازداشت وی ادامه داد.

### منشور برادری

در سال ۱۳۳۱ شمسی. هنوز نواب در زندان به سر می‌برد. مدتی پیش از آزادی نواب صفوی از زندان، فدائیان اسلام، اقدام به انتشار نشریه «منشور برادری» به منظور نشر افکار انقلابی خود کردند. قبل از این دو روزنامه‌ی «اصناف» به مدیریت ابراهیم کریم‌آبادی و نیز «تبرد ملت» به مدیریت کرباسچیان، ناشر افکار این جمعیت بود. ولی مدیر روزنامه اصناف به دلیل گرایش شدید به دکتر مصدق، و ملیون، از درج نظرات فدائیان با کمال احترام امتناع کرد. ولی تبرد ملت تا دیماه ۱۳۳۰ به درج افکار آنان پرداخت. ولی در مورد موضوع تحصن فدائیان در زندان قصر مخالفت کرد، بنابراین فدائیان اسلام به فکر ایجاد یک نشریه‌ی مستقل افتادند. هفته‌نامه‌ی منشور برادری که امتیاز آن به نام «آهنگ تهران» به نام سید جعفر مرتضوی صادر شده بود به مدیریت سیدهاشم حسینی منتشر شد.<sup>۱</sup>

آرم نشریه منشور برادری، ارگان فدائیان اسلام، پرچم با نوشته‌ی «لااله الا الله، محمداً رسول الله، علیاً ولی الله بود». بالای این شعارها، جمله‌ی هوالعزیز و در زیر آنها عبارت «همه کار و همه چیز تنها برای خدا» و در قسمت پایین پرچم جمله «اسلام برتر از همه چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست.» نوشته شده بود. درباره آرم باید گفت که حکومتی توحیدی و اسلامی شیعی را می‌خواستند. و این که اعتماد به نفس زیادی داشتند. توکل بر خدا داشتند و به خود دلگرمی می‌دادند که چون هدف الهی دارند، شکست نخواهند خورد. این نشریه دیری نپایید که پس از چهارده شماره انتشار از اواخر سال ۱۳۳۱ شمسی اول سال ۱۳۳۲ شمسی، توقیف شد.<sup>۲</sup>

۱- خوش‌نیت، سیدحسین: همان، ص ۲۳۴.

۲- خوش‌نیت، سیدحسین: همان، صص ۲۴ - ۲۳۴.

### جامعه مجاهدین اسلام

جامعه مجاهدین اسلام به وسیله‌ی آیت‌الله کاشانی، خانواده‌ی او، سه تاجر ثروتمند بازار و یک واعظ به نام شمس قنات‌آبادی رهبری می‌شد. پشتیبان جامعه مجاهدین اسلام در اصل از بازار مخصوصاً از سران اصناف و کسبه کوچک و طلاب مدارس علوم دینی بودند. هدف اصلی این جامعه تقویت موقعیت کاشانی بود. و در اعلامیه‌های مکرر خود مردم را به اجرای شریعت - لغو فوائین سکولار رضاشاه و اعاده‌ی حجاب، حمایت از صنایع ملی و وحدت مسلمانان علیه غرب دعوت می‌کرد. در آن عصر احزاب طبقه متوسط سنتی مانند فدائیان اسلام مخالف دمکراسی غرب و هرگونه وابستگی ایران به غرب بودند. جامعه‌ی مجاهدین اسلام به رهبری کاشانی نفوذ گسترده‌ای در میان طبقه متوسط سنتی داشت.<sup>۱</sup> تشکل فدائیان اسلام عضو جبهه ملی نبود ولی دقیقاً با کاشانی مرتبط بود. و چنان که گفته شد هدف از تشکیل این جمعیت؛ جنگیدن با همه‌ی اشکال بی‌دینی بود. نخستین اقدام فدائیان، هم ترور کسروی مورخ و نویسنده سکولار و مشهور بود. حزب فدائیان با کاشانی کار می‌کرد و به او در سازماندهی اعتصابات بازار علیه قوام‌السلطنه جلسات عمومی در حمایت از اعراب فلسطین و تظاهرات علیه هژیر نخست وزیر کمک کرد. و در اسفند ۱۳۲۹ رزم‌آرا به خاطر پشتیبانی از توافق نفتی با انگلیسها توسط فدائیان اسلام به قتل رسید.<sup>۲</sup>

این دو سازمان هم در ترکیب اجتماعی و هم در تعهد ایدئولوژیکی با هم تفاوت داشتند. در حالی که گروه آیت‌الله کاشانی از رده‌های بالای طبقه متوسط سنتی در سراسر ایران پشتیبانی قابل ملاحظه‌ای دریافت می‌کرد، اعضای محدود فدائیان اسلام از میان جوانان مشغول در رده‌های پایین بازار تهران بود. بعلاوه، در حالی که کاشانی به لحاظ سیاسی عمل‌گرا بود، فدائیان اسلام به طور جزمی به اسلام بنیادگرا معتقد بودند و برنامه آن از کلیاتی درباره پرهیزکاری دین فراتر می‌رفت. آنها خواستار ممنوعیت مشروبات الکلی، تنباکو، تریاک. وضع مجازات برای راشی و مرتشی. و مسائلی که در بخشهای پیشین اشاره شده بودند.

۱- بشیریه، حسین: *جامعه‌شناسی، نقش نیروهای اجتماعی و زندگی سیاسی*، تهران، نی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۹.

۲- مدنی، جلال‌الدین: *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، اسلامی، ۱۳۶۱، جلد ۱، ص ۱۸۵.

حال نخستین جرقه‌های اختلاف میان فدائیان اسلام و آیت‌الله کاشانی را بررسی می‌کنیم. نواب صفوی پس از ناامیدی از دکتر مصدق به منظور اجرای احکام اسلامی، به سراغ آیت‌الله کاشانی رفت و با ایشان مذاکره کرد. کاشانی هم گفته بود که، بگذارید مسأله نفت تمام شود و دست انگلیس کم‌کم از ایران قطع شود، بعد کم‌کم نسبت به ایجاد و اجرای احکام اسلامی اقدام می‌کنیم.<sup>۱</sup> گفته شده است که فدائیان اسلام در آغاز نخست‌وزیری مصدق با انتشار اعلامیه‌ای خواستار تصویب و اجرای چهار اصل در کشور شدند این اصول عبارت بودند از: اجباری شدن حجاب، اخراج کارمندان زن از دوایر دولتی؛ ممنوعیت مشروبات الکلی؛ اجباری شدن شرکت کارکنان دولت در نماز جماعت.

همانطور که مشاهده می‌شود، می‌توان فهمید که اینان فقط و فقط حکومت اسلامی و اجرای احکام آن را می‌خواستند و بس! و آیت‌الله کاشانی حاضر به بردن این طرح به مجلس و ارائه آن نشد. لذا فدائیان از وی کناره گرفتند. به طور کلی کاشانی، مجتهدی سیاستمدار و پارلمانیست و عملگرا بود و در سیاستهایش با احتیاط قدم برمی‌داشت، اما نواب صفوی یک فرد آرمانگرا؛ با اعتقادات دینی و آرمانگرایی اسلامی به دنبال نیل سریع به اهداف اسلام‌گرایانه و اندیشه‌های دینی خود بود و بدون شک بررسی دو طرز تفکر سیاسی متفاوت آیت‌الله کاشانی و نواب صفوی تحقیقی جامع و ژرف را می‌طلبد.<sup>۲</sup>

### حزب توده و رابطه جمعیت با آن

فدائیان اسلام با ماهیت وجودی تشکیلات حزب توده، به دلیل وابستگی فکری و حزبی به بلوک شرق بویژه شوروی مخالف بودند. به نظر آنان، ترویج مرام کمونیستی در کشور در واقع محدود کردن مذهب در جامعه است. با چنین دیدگاهی با هر گونه فعالیت عینی این حزب در هر جا برخورد جدی داشتند. سخنرانی مفصل نواب‌صفوی در جمع ملاقات کنندگان علیه حزب توده،

۱- حجتی کرمانی، علی: *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، سال دوم، شماره ششم، ص ۳۰۳.

۲- سمون، فریده، ضمیران، محمد: *برخورد سنت و تجدد، ایدئولوژی شدن سنت و ظهور فدائیان اسلام*، مجله آورده، شماره ۴۱.



سبب درگیری بین این دو دسته می‌شود و مأمورین فدائیان اسلام را مورد ضرب و شتم قرار داده و نواب در زندان اعتصاب غذا می‌کند.

نواب در ملاقاتی که با حائری‌زاده دارد، به مصدق اعتراض می‌کند. که به توده‌های‌ها قدرت داده است. وقتی که حرف و سخنان نواب به جایی نرسید؛ فدائیان تصمیم گرفتند با ایجاد اتحادیه‌ی کارگران فدائیان اسلام که از حقوق کارگران مسلمان، مطابق قانون اسلام دفاع کنند. تشکیل این اتحادیه در برابر نفوذ توده‌هایها در کارخانجات و در حمایت کارگران صورت گرفت.<sup>۱</sup> در مجموع نواب صفوی با اندیشه ضداسلامی کمونیسم می‌گفت: «برای رسیدن به هدف می‌توان وسیله را توجیه کرد سخت مخالف بود. هرگز حاضر نشد برای رسیدن به هدفی راهی ناپسند برگزیند. از این رو زمانی که سردمداران حزب توده در زندان بارها پیشنهاد همکاری در براندازی رژیم پهلوی که هدف مشترکشان بود را دادند؛ نواب صفوی با توجه به اندیشه‌ی خالص اسلامی خویش هرگز این راه را برای رسیدن به هدف برنگزید.<sup>۲</sup>

### اندیشه‌های سیاسی جنبش

از فعالیتها و برنامه‌های ایدئولوژیکی فدائیان اسلام بالطبع نمی‌توان سخن زیادی راند. زیرا فدائیان اسلام همان طور که عنایت می‌گوید: «صرفاً یک گروه سیاسی بودند و تا انقلاب اسلامی ایران، آنچه مایه‌ی شهرت اینان بود بیشتر شرکتشان در یک سلسله ترورهای سیاسی، که خود نیز بدان اقرار دارند. در سالهای بین ۱۳۲۴، ۱۳۳۲ شمسی. بود تا همکاری و یاریشان در بحث‌های دینی یا سیاسی.<sup>۳</sup> در واقع آنان مسلمانانی ساده بودند که بی‌اعتنایی و یا اهانت به مبانی مذهبی را بر نمی‌تابیدند، راه چاره را در وضعیتی که به نظر آنان اسلام در خطر قرار گرفته بود، فعالیت سیاسی و از میان برداشتن افرادی می‌دانستند که به مقابله با دین برمی‌خاستند. عنایت دلیل برکناری فدائیان از مباحث مذهبی و دینی را در قیاس با اخوان المسلمین مصر دو چیز می‌داند: «نخستین مسأله آن که، اینان هرگز جنبش توده‌ای نشدند و همواره گروهی از جان

۱- امینی، داوود: همان، ص ۲۸۵.

۲- امینی، داوود: همان، ص ۲۸۶.

۳- عنایت، حمید: اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۲ ص ۱۶۹.

گذشته باقی ماندند که خود را وقت پیگیری شدید، اهدافشان ساخته بودند. گرچه برخی از شعارهای ضد امپریالیستی‌شان گاهی، توده‌گیر می‌شد. دوم این که، قهرمانی که در پایه حسن‌البناء عقل سیاسی یا در پایه سیدقطب بینش سیاسی یا در پایه ابوالاعلی مودودی پاکستانی فضل و دانش داشته باشد؛ پدید نیاوردند.<sup>۱</sup> اندیشه دینی فدائیان اسلام که تلاش می‌کرد به یک ایدئولوژی سیاسی فراگیر تبدیل شود با تنگناهای اجتماعی - سیاسی و حتی عقیدتی مواجه بود. چنین اندیشه‌ای در شرایطی وارد میدان مبارزات سیاسی - اجتماعی - دینی شد که اسلام به مانند ایدئولوژی سیاسی مطابق با دوران جدید در حاشیه سیاست رسمی قرار گرفته بود. این امر از یک سو ناشی از نفوذ و قدرت روزافزون احزاب و جریانهای سیاسی غیردینی - اعم از احزاب چپ، لیبرال، و ملی‌گرا - بود. که در پی دوره‌ای از مدرنیسم و نوسازی سطحی پدیدار شدند و قوانین و نهادهای خاص خود را به ارمغان آوردند. و از دیگر سو، از ضعف و انفعال فزاینده‌ی حاکم بر مجامع و محافل دینی و رهبران آن ریشه می‌گرفت. پس با توجه به چنین شرایطی که از هر سو تنگناهای فراوان در جهت پیدایی و شکوفایی یک جنبش دینی - سیاسی وجود داشت. ظهور فدائیان اسلام و تأثیر انکارناپذیرشان بر رخدادها و تحولات تاریخی دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ سزاوار تحسین است.

### محور فکری فدائیان اسلام

۱- انتقاد نسبت به برداشت سنتی از دین و نیز روحانیان بی‌عمل. نواب صفوی معتقد است: «سالیان درازی است که پرده‌های تاریک شومی بر روی حقایق نورانی اسلام به رنگهای مختلف کشیده شده و از تابش اشعه نورانی آن حتی بر افکار و دل‌های فرزندان اسلام و ملل اسلامی جهان جلوگیری نموده».<sup>۲</sup> در نظر وی اسلام دین تحرک و عمل است. اما زنگار خرافات چهره‌ی حقیقی دین را پوشانده و در این میان تقصیر و کوتاهی متوجه متولیان دینی است. بنابراین برای دستیابی به حقیقت اسلام باید از آن خرافه‌زدایی نمود و آن را از بستر تاریک‌اندیشی‌ها نجات داد. چه اسلام راه رستگاری و نجات بشر است؛

۱- عنایت، حمید: همان - ص ۱۶۹.

۲- نواب صفوی، سیدمجتبی: *اطلاعیهای از برنامه انقلابی فدائیان اسلام*، بی‌تا، بی‌جا، ص ۷۷.

۲- اعتقاد به آمیختگی دین با سیاست و نیز انتقاد به پرهیز روحانیت از دخالت در عرصه‌های سیاسی. به اعتقاد آنان جدا انگاشتن دین از سیاست در میان روحانیون، روح خمودگی و بی‌اعتنایی نسبت به مسائل جامعه و خودسری‌های حکومت؛ در سرنوشت امت مسلمان را پرورده بود. <sup>۱</sup> خوش‌نیت می‌گوید: «فدائیان اسلام سعی کردند تا جو یخ زده و منجمد حوزه علمیه قم را بشکنند و سکوت و بی‌تفاوتی طلاب و علمای بزرگ را با تحرک و مبارزه‌جویی جایگزین سازند»؛<sup>۲</sup>

۳- سومین محور فکری فدائیان اسلام که از اهمیت خاصی برخوردار است ولی چنان که باید در آثار باقی مانده فدائیان بدان پرداخته نشده است، برپایی حکومت اسلامی است. اینان اجرای دستورات اسلامی را منوط و مشروط به تشکیل حکومت اسلامی دانستند. آنها معتقد بودند که حکومت اسلامی؛ بایستی ضامن اجرای آن باشد.<sup>۳</sup>

حمید عنایت، دلیل بی‌اعتنایی فدائیان را به تنظیم یک ایدئولوژی دینی، ویژگی خاص آنها یعنی، غیروشنفکر بودنشان می‌داند. وی معتقد است: «فدائیان همواره به معنای وسیع کلمه غیروشنفکر بودند و این امر بالنسبه آنان را در قبال شقاق داخلی مصون می‌ساخت. ولی در عین حال آنان را از امکان راه یافتن به فراتر از کانونهای تعلیم و تربیت دینی یا دست یافتن به کانون‌های حمایت از، نهضت‌های دینی - سیاسی، نظیر بازار محروم می‌داشت. و لذا نمی‌توانستند آرا و عقایدشان را در معرض آزمون با حریفانشان قرار دهند. این امر اصل‌گرایی و تندروی آنها را هم در مواقعی که ناچار بودند؛ زیرزمینی شوند؛ تشدید می‌کرد و بر فعالیت‌هایشان و فقدان یک رهبر نافذالکلمه اثر می‌گذاشت...»<sup>۴</sup>

به هر حال، نظر برخی صاحب‌نظران به اندیشه فدائیان اسلام ظاهراً در پی تغییر ساختاری بوده است، اما شعاع عملشان نوعی تغییر تعادلی و اصلاح‌گرایانه را تعقیب می‌کرده است. آنها می‌کوشیدند تا بر شرایط و سبک زندگی و آرمانهای فکری و سیاسی و به‌طور کلی بر همه‌ی

۱- خوش‌نیت، حسین: همان، ص ۲۱۷.

۲- خوش‌نیت، حسین: همان، ص ۳۲۷.

۳- منشور برادری، اسلام و اقتصاد، شماره ۶۱ - ۳۲/۱/۲۲، ص ۲.

۴- عنایت، حمید: همان، ص ۱۷۰.

ابعاد جامعه اثر بگذارند و سازمانهای اجتماعی را به لحاظ محتوا و شکل، دگرگون سازند. اما تلاشهای آنها عملاً و غالباً به بازیهای سیاسی روزمره، ائتلافهای زودگذر با جریانها، شخصیتهای سیاسی و اقدامات فردی محدود شده بود مبنای فکری آنها هم اختلاطی از روشهای اصلاح‌گرایانه و انقلابی می‌نمود. اصلاح‌گرایانه به این مفهوم که آنها مجموعه‌ی نهادها و نظام موجود را با اندکی تغییر در شکل می‌پذیرفتند و انقلابی از آن جهت که خواهان تحول در ماهیت فرهنگی و دینی جامعه در همه‌ی ابعاد آن بودند.

این دسته از منتقدین، همین امر را، سبب فاصله گرفتن این جنبش از حالت یک جنبش عمیق سیاسی و فکری می‌دانند و برخی نیز علل ناکامیهای آن جنبش مهم سیاسی - مذهبی را در این تضادها جستجو می‌نمایند.<sup>۱</sup> اما اعضا و هواداران آن جمعیت، این انتقادات را رد می‌کنند و می‌گویند؛ مسیر حرکت فدائیان اسلام فقط مبتنی بر مکتب مقدس اسلام، ارزشهای اسلامی بوده است. و براساس تکلیف دینی عمل کرده‌اند. چنانکه ریچارد کاتم می‌گوید: «فدائیان اسلام از نظر بینش مذهبی و سیاسی خواهان بازگشت جامعه اسلامی به سنتهای صدر اسلام بودند زمانی که دین از سیاست جدا نبود».<sup>۲</sup> نواب صفوی در آن شرایط خفقان آور، در حالی که اعتقاد داشت حکومت باید «از بالا» اصلاح شود، معتقد به اصلاح، ساختار ذهنی مردم از «پایین» نیز بود و می‌گفت: «ما در همان حالی که رأس حکومت را ضعیف می‌کنیم. باید پایگاه مردمی را حفظ کنیم. و به تربیت اقشار جامعه، بپردازیم. و این مهم انجام نمی‌گیرد مگر با امر به معروف و نهی از منکر». نواب در شیوه‌ی تفکرش هم امر به معروف را به طور فردی ملزم می‌دانست و هم مسأله را در سطح گسترده‌تر سیاسی - اجتماعی مطرح می‌کرد. برای او فکر سیاسی هم فکر مذهبی بود. چون دین را از سیاست جدا نمی‌دانست.<sup>۳</sup>

۱- طلایی توانی، علیرضا: «آسیب‌شناسی یک جنبش و تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فدائیان اسلام»، پژوهش نامه ضدین سال دوم، شماره ۵/۶، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، صص ۹۱ - ۲۹۰.  
 ۲- کاتم، ریچارد: *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدوین با مقدمه حاتم قادری، کویر، تهران ۱۳۷۱، ص ۱۶۸  
 ۳- عید خدایی، محمد مهدی: «قیام علیه فرهنگ و نظام طاغوت»، مجله پیام انقلاب شماره ۱۲۸. ۱۰/۲۰/۱۳۶۳.

نواب صفوی در خصوص مسأله سیاست و منطق جمعیت درباره‌ی آن، در بازجویی سال ۱۳۲۴ شمسی، می‌گوید: «سیاستی که به معنای روز آن نقشه‌کشیهای حقه‌بازی است، دخالت در آن وظیفه مسلمانان نیست. اما دخالت در سیاستی که به معنای تدبیر امور جامعه از روی قوانین اسلام است، بر مسلمانان لازم است و این به معنای دیانت است».

نواب صفوی با چنین تفکری به تنهایی به تأسیس تشکیلات جمعیت فدائیان اسلام مبادرت ورزید. و پس از انتشار نخستین اعلامیه با امضای فدائیان اسلام دیگران به این تشکل اسلامی، نوینیاد جذب گردیدند.<sup>۱</sup> او گرچه توانست از طریق تشکیلات سیاسی خود در میان طلاب علوم دینی و کسبه و بازار و اقشار متوسط و پایین جامعه نفوذ یابد؛ اما در دانشگاهها، نفوذ چندانی نداشت؛ در آن زمان جناحهای چپ، دانشگاهها را در تصرف خود داشتند. و پس از توده‌ای‌ها، جبهه ملی از نفوذ بیشتری در دانشگاهها برخوردار بود و نیروی مذهبی فاقد آن جایگاه شایسته و متناسب با شأنشان بودند.<sup>۲</sup>



۱- پیام انقلاب، شماره ۲۴، تا ۲۷، دیماه ۱۳۵۹، مصاحبه با حجت‌الاسلام لواسانی.

۲- خوش‌نیت، حسین؛ همان، صص ۲۴۰ - ۲۳۳.

## کتابنامه

## کتاب

- ۱- امین، داود: *جمعیت فدائیان اسلام و نقش آنان در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- آبراهامیان، یرواند: *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی؛ محمد ابراهیم فتاحی، نی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳- بصیرت منش، حمید: *علما در رژیم رضاشاه*، عروج، تهران، ۱۳۷۶.
- ۴- خسروشاهی، سیدهادی: *فدائیان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه*، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- خوش نیت، حسین: *سیدمجتبی نواب صفوی. اندیشه، مبارزات، شهادت او*، (بی جا). منشور برادری، ۱۳۶۰.
- ۶- کاتوزیان، (محمدعلی) همایون: *اقتصاد سیاسی ایران - استبداد شبه مدرنیسم*، ترجمه محمدرضا نفیس و کامبیز عزیزی، پایروس، تهران، ۱۳۶۸.
- ۷- کاتم، ریچارد: *ناسیونالیسم ایران*، ترجمه احمد تدین، با مقدمه حاتم قادری، کویر، تهران، ۱۳۷۱.
- ۸- *سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج*؛ ترجمه، عباس مخبر، صهبا، تهران، ۱۳۷۲.
- ۹- ففوری، سعید: *«فدائیان اسلام در کلام یاران»*، فصلنامه‌ی تاریخی سیاسی، پانزده خرداد، شماره ۲۴ سال پنجم، ۱۳۷۵.
- ۱۰- عنایت، حمید: *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، خوارزمی، تهران ۱۳۷۲.
- ۱۱- نواب صفوی، سیدمجتبی: *جامعه و حکومت اسلامی*، راهنمای حقایق، بی نا، بی جا، بی تا.

## مجلات

- ۱- منشور برادری، *اسرار اختلاف فدائیان اسلام و حکومت مصدق و ترور حسین فاطمی*، دوره جدید، شماره ۶۲
- ۲- *پیام انقلاب*، شماره ۲۴، بیستم و هفتم دیماه ۱۳۵۹ مصاحبه با حجت‌الاسلام لواسانی.
- ۳- *پیام انقلاب*، سال سوم، شماره ۵۰ مورخ سوم بهمن ۱۳۶۰.
- ۴- حجتی کرمانی، علی، *فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر*، سال دوم، شماره ششم.
- ۵- خسروشاهی، سیدهادی، *مجله تاریخ و فرهنگ معاصر*، فصلنامه مرکز بررسیهای اسلامی قم. گروه تاریخ، شماره ۲ زمستان ۱۳۷۰.
- ۶- ففوری، سعید، *فدائیان اسلام در کلام یاران*، فصلنامه‌ی تاریخی سیاسی، پانزده خرداد شماره ۲۴، سال پنجم، زمستان ۱۳۷۵.
- ۷- عبدخدایی، محمد مهدی، *شهادت نواب صفوی را بشناسیم. فدائیان اسلام از آغاز تا به امروز*، منشور برادری دوره‌ی جدید، شماره ۲۷، ۵۹/۱/۲۳.
- ۸- عبد خدایی، محمد مهدی: *«قیام علیه فرهنگ و نظام طاغوت»*، مجله پیام انقلاب شماره ۱۲۸، ۲۰ بهمن ۱۳۶۳.
- ۹- نواب صفوی، سیدمجتبی: *اچنبی اچنبی است*، منشور برادری.
- ۱۰- واحدی عبدالحسین: *به سوی آستان قضیلت پرور حضرت نواب صفوی برمی گردیم*. منشور برادری، شماره ۱۲ ۳۳/۴/۲۰.
- ۱۱- ملایی ترابی، علیرضا: *«اسیب‌شناسی یک جنبش تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فدائیان اسلام»* پژوهشنامه‌ی متین فصلنامه‌ی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی. سال دوم، شماره پنجم و ششم، تهران ۷۹ - ۱۳۷۸.